

مذاکرات سه دولت اروپای غربی، به نمایندگی از طرف «اتحادیه اروپا» با جمهوری اسلامی پیرامون پرونده هسته‌ای، که از دو سال پیش با کش و قوس‌هایی از دوسو ادامه داشت، فعلاً متوقف شده است. در پی رد پیشنهادهای اخیر اروپایی‌ها و آغاز فعالیت دوباره تأسیسات فرآوری اورانیوم در اصفهان از جانب رژیم،

طرف اروپایی هم مذاکرات را قطع و از سرگیری مجدد آن را، احتمالاً، به بعد از ارائه گزارش جدید «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» در این باره، در اواسط شهریور، موکول کرده است. دولت‌های اروپایی، و به طریق اولی دولت آمریکا (و همچنین ژاپن، کانادا، استرالیا و حتی روسیه و تعداد دیگری از دولتها) حاضر به پذیرش تکمیل چرخه سوخت اتمی و بویژه غنی‌سازی اورانیوم (که می‌تواند در تولید سلاح‌های اتمی به کار رود) توسط جمهوری اسلامی نیستند و رژیم حاکم نیز، تا کنون، از دست برداشتن از طرح غنی‌سازی و تولید سوخت اتمی امتناع کرده است. خامنه‌ای، در نماز جمعه ۲۸ مرداد، در این باره، ضمن اشاره به این که «سیاست ما مذاکره و تفاهم و تقویت اعتماد است»، گفت: «ما از هیچ کس نمی‌ترسیم. ما قدرت و توانایی لازم را برای دفاع از حقوق خودمان همیشه داریم و از این حقوق کوتاه نمی‌آییم و کسی حق ندارد که حق ملت را در این جا مورد معامله قرار بدهد» و بعد هم از اروپایی‌ها خواست که «با لحن طلبکار حرف نزنند، یک قدری بیشتر روی ابعاد مسئله فکر کنند و تحت تأثیر آمریکا و صهیونیست‌ها قرار نگیرند». احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان، نیز در خطبه‌های جمعه دیگری، همین حرف‌ها را تکرار کرده است: «ما باید راه خود را ادامه بدهیم، خربزه‌ای که می‌خوریم پای لرز آن می‌ایستیم. اینقدر ایران را تهدید نکنید. ایران تصمیم خود را گرفته است و آمریکا و اروپا هر اقدامی انجام دهند به ضرر آنها تمام می‌شود.»

اما در کنار این گونه قدرت‌نمایی و رجزخوانی‌های مرسوم، این مصلحت‌جویی سردمداران رژیم نیز وجود دارد که از محکومیت رسمی و علنی رژیم در آژانس بین‌المللی و ارجاع پرونده اتمی ایران به «شورای امنیت» سازمان ملل جلوگیری کنند. آنان از این امر و تبعات آن شدیداً هراسانند، ضمن آن که به ماجراجویی‌ها و بحران‌سازیها (خصوصاً جهت مصرف داخلی) نیز ادامه می‌دهند. هر گاه مثلاً اوضاع عراق وخیمتر و گرفتاری دولت آمریکا در باتلاق عراق بیشتر - و نتیجتاً احتمال حمله نظامی آن دولت به ایران در آینده نزدیک، ضعیف‌تر - می‌شود، و یا مثلاً بهای نفت در بازارهای جهانی باز هم بالا رفته و رقابت بر سر تأمین منابع نفتی برای آینده در بین

قدرتهای جهانی شدیدتر می‌شود، آن وقت لحن شعارها و توپ و تشرهای سران حکومتی نیز تندتر می‌گردد. ولی جدا از این کش و قوس‌ها، مانورهای تاکتیکی و یا چانه‌زنی‌ها، این امر اکنون مسلم است که پافشاری رژیم در ادامه فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم، ارجاع پرونده اتمی ایران به «شورای امنیت» را حتی برای اروپایی‌ها نیز - که عجله چندانی برای آن ندارند - اجتناب‌ناپذیر خواهد کرد و جمهوری اسلامی را ناچار به تحمل تبعات آن و رویارویی آشکار با بخش بزرگی از جامعه جهانی خواهد نمود. در همین جا باید افزود که جا به جایی اخیر در بین دستجات حکومتی و تشکیل دولت جدید موجب آن نیز شده است که طرفداران قدرت‌نمایی و رویارویی آشکار در این قضیه، و در عرصه سیاست خارجی به طور کلی، بیشتر نمایان گشته و صدای خود را بلندتر کنند. پیش از این نیز عناصر و گروه‌هایی در ارگانهای نظامی، امنیتی و سیاسی - مذهبی رژیم وجود داشته که خواستار پیروی از الگوی کره شمالی در این زمینه (دستیابی به تکنولوژی تولید بمب اتمی و یا وانمود کردن داشتن آن) و بر این مبنا خروج از «پیمان منع گسترش سلاح‌های اتمی» و نهایتاً مقابله مستقیم با قدرتهای بین‌المللی و جامعه جهانی بوده‌اند. اکنون، این گروه‌ها و محافل که در روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد هم سهیم بوده‌اند، بیشتر رو آمده‌اند و، بنابراین، می‌توانند به ماجراجویی‌های افزونتری هم دامن بزنند.

محمد جواد (اردشیر) لاریجانی، از معرکه‌گیران با سابقه حکومت ملایان که به «تئوریسین اصولگرایان» رژیم نیز شهرت دارد، در همایش «فناوری هسته‌ای ایران، نماد اراده ملی» که به وسیله «مرکز پژوهشهای مجلس» در ده مرداد برگزار شده بود، در واقع خواست آن گروه‌های رژیم را بر زبان آورده و گفت: «ما در تهران با سه کشور اروپایی نشستیم و بیانیه امضا کردیم، غلط کردیم که چنین کاری کردیم... با سه وحشی بین‌المللی بر اساس چه ضابطه‌ای می‌خواهیم مذاکره کنیم، مذاکرات رسمی با اروپا فضاخت سیاسی است». وی که قبلاً هم آشکارا از ساخت سلاح اتمی توسط جمهوری اسلامی دفاع کرده بود، اظهار داشت: «این که می‌گویم شارع در مورد سلاح هسته‌ای دست ما را بسته است، منظور این است که ما در بکار بردن سلاح هسته‌ای پیشقدم نیستیم» و افزود: «سند ان.پی.تی» (پیمان منع گسترش) مرده و مدفون است و کسانی آن را کشتند که پرچم دفاع از آن را بالا گرفته‌اند. ما زیر علم افتاده داریم سینه می‌زنیم». احمد توکلی، نماینده و رئیس مرکز پژوهشهای مجلس نیز در جمع‌بندی مباحث آن همایش گفت: «مذاکره با سه

کشور اروپایی اساساً اشتباه بوده است، زیرا این سه کشور به نمایندگی از آمریکا هدفی جز برچیده شدن تمامی تأسیسات هسته‌ای ایران را تعقیب نمی‌کنند» و تأکید کرد که «این موضوع باید از زمین تروئیکای اروپا خارج شود». قابل توجه است که طرفداران پیروی از الگوی کره شمالی توسط جمهوری اسلامی، بعضاً، مذاکره و چانه‌زنی مستقیم با خود «شیطان بزرگ» را نیز مطرح می‌نمایند و از این رو هم ادامه گفتگوها با اروپاییان را اتلاف وقت و بیهوده به حساب می‌آورند. آنها که الگوی کره شمالی را در مد نظر دارند، در مورد شعار «خود کفائی» هم با احمدی‌نژاد به وحدت نظر می‌رسند.

آنانی که زمام امور کشور را در دست خود گرفته‌اند و حال و آینده جامعه ما را بازیچه امیال و اهداف ماجراجویانه خود کرده‌اند، در واقع، هیچ پروایی از خواست و اراده مردم این سرزمین و سرنوشت آنها ندارند. طرح و تبلیغ قدرت‌نمایی و مقابله با جهان خارج در مورد قضیه اتمی و یا، در نهایت، ناگزیر شدن به رویارویی در اثر اصرار بر ادامه ماجراجویی‌های هسته‌ای، جامعه ما را با صدمات و خسارات جبران‌ناپذیر روبرو کرده و صلح منطقه‌ای و جهانی را نیز به مخاطرات افزونتری خواهد افکند. سردمداران رژیم هنوز تصور می‌کنند که با توسل به «حربه نفت» و با بهره‌گیری از نفوذ خود در منطقه و برخی کشورهای اسلامی می‌توانند وارد این کارزار شده و بقای رژیم خود را هم تأمین و تضمین نمایند. اما سلاح نفت تیغ دو لبه ایست که برندگی آن برای ایران که بند ناف اقتصاد آن همچنان به صدور نفت خام بسته است، بسیار بیشتر از قدرتهای آمریکایی و اروپایی است و قدرت مانور و نفوذ و تأثیرگذاری رژیم در سطح منطقه، حتی در عراق و لبنان هم، نسبت به گذشته بسیار کاهش یافته است. معضل اصلی سیاست‌های جمهوری اسلامی و بویژه سیاست خارجی آن اینست که گردانندگان آن هنوز گمان دارند که می‌توانند جامعه ۷۰ میلیونی ایران را در این منطقه حساس و در این عصر ارتباطات گسترده و مبادلات فزاینده، محصور و منزوی نگهدارند و به فرمانروایی خود ادامه دهند. این نشدنی است، چنان که بیست سال پیش از این در دوره حکومت مطلقه بنیانگذار این رژیم نشد و اکنون هم، به طریق اولی، نمی‌شود. مشکل اصلی مردم ایران هم خود این رژیم است که نه تنها با مقتضیات جهان امروز اصلاً همخوانی ندارد بلکه با نیازها و خواسته‌های واقعی آنها نیز اساساً بیگانه است